

## قطعه‌نامه درباره مرحله انقلاب و روش سیاسی پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک

۱ - جامعه ایران، یک جامعه سرمایه‌داری وابسته، تحت سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و جزئی از سیستم جهانی نواستعماریست.

با تحولات رفرمیستی اوایل دهه چهل که در رفرم ارضی و توسعه صنایع مونتاژ و ... متجلی شد وجه تولید سرمایه‌داری بر ایران مسلط شد. فئودالیسم به عنوان یکی از پایگاه‌های امپریالیسم از قدرت سیاسی و اجتماعی حذف و سرمایه‌داری وابسته به عنوان تنها کانال تأمین منافع امپریالیسم درآمد.

این تحول که ناشی از نیازهای سیستم جهانی امپریالیستی و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا به بازارهای جدید و نیز رشد تضادهای درونی سیستم حاکم بود، به هیچ روی در جهت منافع اساسی توده‌ها، بهبود وضعیت آنها، دگرگونی بنیادی نیروهای مولد، استقلال ملی و دمکراتیزه شدن جامعه نبود، بلکه منجر به ادغام کامل‌تر ایران در بازار جهانی سرمایه‌داری و تقسیم کار بین‌المللی آن گردید.

وابستگی به امپریالیسم و سرمایه‌داری دو جزء لاینفک نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر ایران محسوب می‌شوند، و امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته، اصلی‌ترین و نخستین مانع رشد نیروهای مولد و تکامل جامعه محسوب می‌گردند.

از این رو هر تحول انقلابی در میهن ما باید ناظر بر برداشتن این مانع اصلی از جلو رشد نیروهای مولد و تکامل جامعه باشد.

۲ - انقلاب ایران یک انقلاب دمکراتیک توده‌ایست.

نظر به عقب افتادگی نیروهای مولد، وجود افشار وسیع خرده‌بورژوازی با خواست‌های سیاسی و اجتماعی ... تسلط امپریالیسم و ...

نظر به ضعف عینی و ذهنی پرولتاریای ایران و نظر به این که در مجموع شرایط عینی و ذهنی برای یک انقلاب سوسیالیستی فراهم نیست، از این رو انقلاب ایران در گام اول نه یک انقلاب سوسیالیستی بلکه یک انقلاب دمکراتیک توده‌ایست.

انقلاب دمکراتیک توده‌ای ایران که با خصیصه‌های ضدامپریالیستی، دمکراتیک و ضد سرمایه‌داری وابسته مشخص می‌شود، سرنگونی طبقه حاکم، برانداختن سلطه امپریالیستی و کسب استقلال ملی، دمکراتیزه کردن جامعه، تأمین آزادی‌های سیاسی و مدنی، و رشد نیروهای مولده را هدف نخستین خود قرار می‌دهد.

خصلت ضد سرمایه‌داری در انقلاب ایران عناصر سوسیالیستی این انقلاب را تقویت می‌کند. پرولتاریای ایران که بنا به رسالت تاریخی خود اساساً در راه استقرار سوسیالیسم و ایجاد یک جامعه عاری از ستم و استثمار مبارزه می‌کند، پیگیرترین طبقه انقلابیست که منافع خود را در تحقق هر چه رادیکال‌تر اهداف انقلاب دمکراتیک می‌بیند.

پرولتاریای ایران تنها طبقه‌ایست که قادر است توده‌های وسیع زحمتکش را در انقلاب دمکراتیک توده‌ای رهبری کند و انقلاب را به پیروزی قطعی برساند. هیچ طبقه و قشر دیگری قادر نیست انقلاب را به سرانجام قطعی‌اش برساند.

۳- انقلاب دمکراتیک توده‌ای ایران یک مرحله گذار به سوسیالیسم محسوب می‌شود و مضمون طبقاتی آن را دیکتاتوری انقلابی دمکراتیک کارگران و اقشار پایین و میانی خرده‌بورژوازی شهر و روستا تشکیل می‌دهد.

در انقلاب دمکراتیک توده‌ای ایران خرده‌بورژوازی اقشار میانی و پایینی شهر و روستا (دمکراسی انقلابی) متحدین پرولتاریا و لایه‌های فوقانی خرده‌بورژوازی (ناسیونال رفرمیسم و سوسیال رفرمیسم) در موضع بینا بینی قرار دارند.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی آن (بورژوازی وابسته و دیگر مرتجعین) دشمنان انقلاب محسوب می‌گردند.

جنبش‌های رهایی‌بخش ملل تحت ستم، اردوگاه سوسیالیستی و پرولتاریای کشورهای سرمایه‌داری متحدین پرولتاریا در عرصه بین‌المللی هستند.

پرولتاریای ایران به منظور پیروزی قطعی انقلاب دمکراتیک توده‌ای ایران، دمکراسی انقلابی را از موضع پافشاری روی دمکراسی پیگیر پرولتری به خود ملحق میکند. ناسیونال رفرمیسم و سوسیال رفرمیسم را منفرد می‌سازد، و با در هم شکستن ماشین دولتی طبقه حاکم، بورژوازی را سرنگونی می‌سازد، سلطه امپریالیسم را برمی‌اندازد، و جمهوری دمکراتیک انقلابی کارگران و زحمتکشان شهر و روستا را که مبتنی بر شوراها و مسلح کارگران، دهقانان یا دیگر تشکلهای انقلابی توده‌ای و... می‌باشد، مستقر می‌سازد و انقلاب را به پیروزی قطعی می‌رساند.

در این راه، اولاً - پرولتاریا به حزب انقلابی پیشرو نیاز دارد. بدون آن پیروزی قطعی انقلاب تضمین نخواهد شد.

ثانیاً - دومین رکن اساسی تحقق اهداف و پیروزی انقلاب‌مان جبهه واحد انقلابی توده‌ای است.

ثالثاً - ایجاد ارتش مسلح خلق، رکن اساسی دیگر انقلاب دمکراتیک و اجزاء لاینفک یک کل منسجم هستند که در این میان نقش عمده با تأمین و تحکیم هژمونی طبقه کارگر است که تضمین اساسی برای ادامه و تکامل انقلاب در راستای سوسیالیسم تواند بود.